

مسئله شر

یادداشت: مسئله شر و دیدگاه جیمز کلارک

مسئله شر که از جدی‌ترین براهین علیه خداپاوری تلقی می‌شود؛ پس از ارائه نظریه تکامل، سمت و سوی تازه‌ای به خود گرفت. در این زمینه پرفسور جیمز کلارک نقطه‌نظر و دیدگاهی در خور توجه دارد.

مسئله شر که از جدی‌ترین براهین علیه خداپاوری تلقی می‌شود؛ پس از ارائه نظریه تکامل، سمت و سوی تازه‌ای به خود گرفت. در این زمینه پرفسور جیمز کلارک نقطه‌نظر و دیدگاهی در خور توجه دارد.

به گزارش خبرنگار مهر، مقاله مسئله شر و دیدگاه جیمز کلارک توسط مریم سعدی دکتری فلسفه دین نوشته شده است که در ادامه از نظر شما می‌گذرد؛

مسئله شر که از جدی‌ترین براهین علیه خداپاوری تلقی می‌شود؛ پس از ارائه نظریه تکامل، سمت و سوی تازه‌ای به خود گرفت. در این زمینه پرفسور جیمز کلارک نقطه‌نظر و دیدگاهی در خور توجه دارد که در این مقاله بدان خواهیم پرداخت.

به زعم برخی متفکران، نظریه تکامل مسئله‌ای را پیش روی خیر بودن خدا قرار می‌دهد. چارلز داروین می‌نویسد: ما طبیعت را با دید زیبا مشاهده می‌کنیم و معمولاً می‌بینیم که غذاهای زیادی برای ما وجود دارد، اما از این نکته غافل هستیم که همان پرندگانی که به زیبایی در اطراف ما آواز می‌خوانند، زندگی‌شان در گرو حشرات است و دائم در حال از بین بردن زندگی (دیگرانی) هستند و یا موجوداتی که دائماً در حال شکار کردن موجودات دیگر هستند. ما از این نکته غافل هستیم که اگر هم اینک غذا فراوان وجود دارد، در تمامی فصول سال و در تمامی سال‌ها بدینگونه نیست. (Darwin, 1859:49)

داروین به این نتیجه رسید که در واقع طبیعت با موجوداتش که دندان‌ها و پنجه‌های سرخ شده از خون دارند، بسیار بیرحمانه رفتار می‌کند. وی فراگرفت که نوزادان زیادی به این دنیا چشم باز می‌کنند، درحالی‌که برای همه آن‌ها، جا وجود ندارد و لذا تنازع برای دستیابی به منابع کمیاب، چیزی است که محیط پیرامون ما را شکل می‌دهد. بنابراین چالش برانگیز است که خدایی با مشخصات خدای ادیان ابراهیمی را ماورای این طبیعت وحشی ببینیم. داروین می‌نویسد: خدایی که از منظر عقل محدود ما قادر بی‌پایان و رحمت‌ناپذیر و بخش‌ناپذیر است، چگونه در قدرت و علم خود می‌تواند اجازه بدهد که میلیون‌ها و میلیون‌ها گونه از حیوانات بدین فلاکت و رنج در طی سالیان متمادی هلاک شده و از بین بروند. (1958:13).

داروین به صراحت با تکیه بر نظریه تکامل، باب جدیدی را برای طرح مسئله شر می‌گشاید. طبق تلقی متداول؛ یک قادر مطلق 3، دانای مطلق 4 و خیر محض 5، به هیچ عنوان نباید اجازه بدهد که ما شاهد دنیایی باشیم که مرتب در حال مرگ و نابودی است، با تمامی آفت‌ها و غارتگری‌ها، گرسنگی و (خطرانی همچون) مار و ... 6. طبق این تلقی یک خالق قادر، باید یک مکان با نشاط و آرام بوجود آورد. لذا با این اوصاف چگونه یک شخص می‌تواند دین‌دار باقی بماند، درحالی‌که در محیط اطرافمان شاهد این همه شر و بدی هستیم؟ این سوالی است که جیمز کلارک به تحلیل و بررسی آن می‌پردازد.

کلارک می‌گوید: تنویدیسه‌هایی ارائه شده و بسیاری از الهیدانان در این باب نظریاتی داده‌اند که چرا خدای قادر مطلق، عالم مطلق و خیر محض اجازه می‌دهد شر وجود داشته باشد؛ اما تمامی آن‌ها (تنویدیسه‌های ارائه شده) کارآمد نیستند، به خصوص هنگامی که در مورد بلایای طبیعی 7 به کار می‌روند. او معتقد است که به نظر می‌رسد خدای قادر و دانا و مهربان دلیل کاملاً خوبی برای اجازه دادن به شر و بدی در دنیا دارد. (Clark:74)

ایده دفاع مبتنی بر اختیار 8 این مطلب را عنوان می‌کنند که خدا با اجازه دادن به شر این امکان را در اختیار انسان‌ها می‌گذارد، تا بتوانند به اختیار خود انتخاب کنند. بدون داشتن قدرت تصمیم‌گیری، انسان‌ها دیگر از فضیلتی برخوردار نخواهند بود و مرتبه‌شان تا مرتبه حیوانات تنزل می‌یابد. (planting:165) اگر دفاع مبتنی بر اختیار درست باشد، بسیاری از مسائل مربوط به رنج و سختی انسان‌ها جواب داده می‌شود. اما این نظریه در مورد بلایای طبیعی که انسان در آن نقشی ندارد کارساز

نیست. بلایای طبیعی از قوانین طبیعی نشات می‌گیرد و به نظر می‌رسد که در ساختار جهان قرار داده شده است.

امیدبخش‌ترین نظریه در این باب، نظریه پرورش روح 9 است. (Augustine, 1961) این ایده نظریه اختیار در خصوص شر اخلاقی 10 را با این دیدگاه که ذات انسان پایین‌تر از حد کمال است، جمع می‌کند. در شکل سنتی و بنا به دیدگاه آگوستین، انسان‌ها کامل و عاری از عیب (اما با اختیار) خلق شده‌اند و در بهشت قرار داده شدند. اینکه چگونه یک انسان در این شرایط و با این ویژگی می‌تواند سقوط کند یک معماست. اما اگر انسان‌ها کامل نباشند و در بهشت قرار داده نشده باشند، در آن صورت شکست و سقوط وی اجتناب ناپذیر است. به چه دلیل خدا انسان را در سر راه خطر قرار داد؟ بر طبق این نظریه، مواجه کردن با خطرات، تنها راهی است که خدا می‌توانست هدف خود را برای بشریت به انجام برساند؛ (بنا به تفکر مسیحی) اینکه به اختیار خود به فرزندی خدا درآیند. بلایای طبیعی یک میدان آزمایشی است که در آن انسان‌ها می‌توانند فضیلت‌هایی همچون صبر، شجاعت و بخشندگی را تمرین کنند. لذا این بلایا وسیله‌ای هستند تا انسان‌ها وارثان حیات ابدی شوند.

با این وجود این نظریه نیز زمانی کارساز است که بدانیم در طول تاریخ حیات بر روی کره زمین، انسان‌ها در بخش عمده‌ای از آن بوده‌اند، درحالی‌که می‌بینیم بسیاری از بلایای طبیعی، و همچنین رنج و زجر کشیدن موجودات جاندار، قبل از اینکه انسان‌ها اولیه وارد صحنه شوند، همچنان بوده است. این رنج و عذاب‌ها نمی‌توانند بخشی از فرایند روح پرور انسان‌ها باشند.

کلارک اذعان می‌دارد؛ شاید بتوان گفت در حقیقت حیوانات رنج و شکنجه نمی‌شوند، و یا گفت که رنج کشیدن حیوانات بخش غیرقابل اجتنابی از قاعده و قانون متعالی است که خدا برای جهان در نظر گرفته است. شاید بتوان گفت تمامی شر و بدی که در دنیا مشاهده می‌شود مربوط به شیطان و دارودسته‌اش می‌باشد. شاید، شاید و شاید‌های بسیار. اما واقعیت این است که ما نمی‌دانیم که خدا چرا این دنیا را بدین شکل آفریده است. فرض کنید که یک دین‌دار نداند که چرا خدا به شر و بدی اجازه داده است که در دنیا وجود داشته باشد. آیا اینکه نداند برای چه شر و بدی وجود دارد؛ آیا باید بر ایمان و اعتقاد او تاثیر بگذارد؟ بگذارید این مسئله را با مثال مشکل‌آفرینی در فیزیک ذرات بنیادی 11 بررسی کنیم. مشهور است که فیزیک کوانتوم 12 و نظریه نسبیت عام 13 با یکدیگر سازگار نیستند. بزرگترین دست‌یافت‌های فیزیک در قرن بیستم یعنی کوانتوم و نسبیت عام با یکدیگر همخوانی ندارند. کلارک می‌گوید سوال اینجاست؛ حال که این دو با یکدیگر سازگار نیستند، آیا فیزیکدانان باید یکی از آنها را رها کنند؟ یا اینکه باید در این نگرانی باشند که کدام یک از این دو نظریه غلط است؟ و یا اینکه به امید نظریه کامل‌تر و بهتری باشند که در بردارنده هر دو نظریه باشد؟ در این خصوص برخی از فیزیکدانان نگران هستند اما بسیاری از آن‌ها امید آن دارند که دانشمندی بزرگتر از اینشتین و یا نیوتن خواهد توانست که این دو نظریه را با یکدیگر تلفیق کند. برخی نیز بر این باورند که ما به پایان محدودده‌ی درک و شناخت بشری 14 رسیده‌ایم و هرگز قادر نخواهیم بود که این دو نظریه را سازگار کنیم. در هر صورت بهترین رویکرد این است که شخص هر دو نظریه را پذیرفته و بداند که جهان منطقی است و راه‌حلی که هنوز مشخص نیست، وجود دارد. برخی از فیزیکدانان نیز هستند که هر دو نظریه را رد می‌کنند و می‌گویند که این دو نظریه هردو با هم نمی‌توانند درست باشند. برخی از آن‌ها عنوان می‌کنند که نظریه کوانتوم واقعیتی را عنوان می‌کند که ما به هیچ عنوان نمی‌توانیم ببینیم، یا بشنویم یا حس کنیم، لذا به احتمال زیاد این اشتباه است. این دسته از فیزیکدانان این نظریات را تنها به عنوان وسیله‌ای برای پیش‌بینی برخی از پدیده‌ها به کار می‌برند و اعتقادی به واقعی بودن آن‌ها ندارند.

کلارک می‌گوید؛ به نظر نمی‌رسد که چهارچوب قطعی و منظمی وجود داشته باشد که به ما بگوید در این شرایط چگونه باید رفتار کرد، از نظر من هر سه دیدگاه که در بالا ذکر شد منطقی هستند. هیچ یک از این سه دیدگاه بهینه نیستند، اما ما نیز در یک موقعیت بهینه قرار نداریم. اطلاعات محدود است، شهود افراد با یکدیگر متفاوت است و در خصوص اعتقادات، افراد سیاست‌های مختلفی با یکدیگر دارند. فیزیکدانان بهترین تلاش خود را می‌کنند تا بهترین قضاوت را در این خصوص داشته باشند و همواره این احتمال را می‌دهند که ممکن است در اشتباه باشند.

در خصوص بحث دین و شر و بلایای طبیعی، موقعیت الهیدانان نیز بدین گونه است. برخی از آن‌ها به این امید هستند که دست آخر شخصی خواهد آمد که توضیح کامل و جامعی در خصوص وجود شر در دنیا داشته باشد. برخی نیز بر این باورند که ما به لبه محدود درک علم و دانش رسیده‌ایم و هرگز نمی‌توانیم این مسئله را (در این دنیا) درک و حل کنیم؛ این افراد بر این باور هستند که فهمیدن هدف خدا، کاملاً خارج از محدوده فهم و قدرت عقلی ما

می&zwj باشد. برخی دیگر نیز یافته&zwj های علمی را رد می&zwj کنند (مانند خلقت&zwj گرایان زمین جوان15)، برخی دیگر نیز دین و ایمان خود را از دست می&zwj دهند. کلارک تاکید می&zwj کند که چهارچوب جامعی در دست نیست که به ما بگوید در این موقعیت چه کار باید بکنیم. هیچیک از این موضع&zwj ها بهینه نیستند ولی ما هم در یک موقعیت ایده&zwj آل قرار نداریم. باید در این باب تلاش خود را بکنیم که بهترین موضع را اتخاذ کرده و همیشه در نظر داشته باشیم که ممکن است در اشتباه باشیم. وی بر این باورست؛ که یک بسته کامل اعتقادی که در بردارنده همه جنبه&zwj ها باشد در این زمینه وجود ندارد. یک معتقد واقعی به ایمان خود همچنان ادامه می&zwj دهد و بر این باور است که خداوند حکیم هدف خاصی را در این خصوص دنبال می&zwj کند. (Clark:75-76) هدفی که هنوز به حکمت آن پی نبرده&zwj ایم.

پی نوشتها:

1goodness

2Charles Darwin

3Omnipotence

4omniscience

5perfect goodness

6theodicies

7natural evil

8free will theodicy

9the soul-making theodicy

10moral evil

11fundamental physics

12quantum theory

13general theory of relativity

14limit of human cognition

15Young Earth Creationism

خلقت&zwj گرایان زمین جوان معتقدند توضیحات علمی&zwj شان در خصوص خلقت با داستانی که در تورات نقل شده است همخوانی دارد؛ و لذا بر این باور هستند که زمین، جوان است و چیزی در حدود شش الی ده هزار سال دارد و شکل حاضر خود را از طریق سلسله خلقت&zwj های معجزه آسا و سپس فرآیندهای ویران&zwj بار مانند سیل و زلزله به&zwj دست آورده است. خدا زمین را فرش کرد و سپس موجودات مختلف را در آن بوجود آورد و سپس زلزله&zwj ها کوه&zwj ها را پدید آوردند و سیلاب&zwj ها دره&zwj ها را. اینکه زمین سالخورده به نظر می&zwj رسد تنها برای گمراه کردن بی&zwj اعتقادان است. یک معتقد واقعی می&zwj تواند بنا به گفته&zwj های تورات و همچنین ایمان خود دریابد که زمین در دوران کودکی خود به سر می&zwj برد. فرایندی که زمین را بوجود آورد - معجزه و فرآیندهای ویران&zwj بار - به یک&zwj باره و با شدت بودند؛ خدا در ابتدا همه&zwj چیز را از هیچ بوجود آورد و سپس فرآیندهای مهلک، این چیزهای خلق شده را به چیزهایی که امروزه

می‌بینیم تغییر شکل دادند. این خلقت و گرایان زمین جوان، یکنواخت و گرایانی uniformitarianism (دیدگاهی که عنوان می‌کند فرایندهای آرام مانند رسوب و خوردگی، زمین را شکل داده‌اند.) و همچنین نظریه تکامل را رد می‌کنند. آن‌ها به فرایندهای ویران و بار اعتقاد دارند که زمین را شکل داده‌است (مانند طوفان نوح).

منابع:

- Augustine, Saint, (1961). Confessions. Trans. Edward Pusey. New York: Macmillan
- Kelly James (2014). Religion and the Sciences of Origins: Historical and Contemporary Discussions. New York, NY: Palgrave Macmillan
- Darwin, Charles, (1859). On the Origin of Species by Means of Natural Selection. London: John Murray
- (1958). The Autobiography of Charles Darwin. London: Collins.
- Plantinga, Alvin, (1974). The Nature of Necessity. Oxford: Clarendon Press